

تناقض‌های هویتی جوانان در کنش و واکنش با خانواده و جامعه با رویکرد زمینه‌محور

سمیه کلانی،* خدیجه سفیری**

چکیده

با توجه به اینکه جامعه‌کنونی ما در حال گذار از هویت سنتی به هویت مدرن است، پژوهش حاضر درصدد است، با اتکا به رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی، به بررسی تناقض‌هایی بپردازد که جوانان به‌لحاظ هویتی در بافت زندگی روزمره با آن‌ها مواجه می‌شوند. این پژوهش کوشیده است از طریق روش کیفی و مصاحبه عمیق به یک نظریه‌زمینه‌ای دست یابد. براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری، با ۲۸ نفر از جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر اصفهان مصاحبه صورت گرفته است و اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها رمزگذاری (باز، انتخابی و محوری) شده و مفاهیم و مقوله‌های به‌دست‌آمده تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها با استفاده از روش نظریه زمینه‌محور شامل ۲۱ مقوله است. مقوله محوری این بررسی «انتخاب‌گری عناصر هویتی» است، به طوری که مقولات دیگر را دربرمی‌گیرد. براساس مقوله هسته دو مورد از یافته‌های پژوهش، تقابل بافتی سنت و تجدد و فردگرایی فزاینده است. براساس نتایج، مهم‌ترین دستاوردهای تحقیق به نوعی فردگرایی فزاینده به سمت هویت مدرن و نیز تقابل بافت سنتی و تجدد اشاره دارد. عامل سن و ترجیحات و ذائقه‌های جوانان نیز بسترساز به حساب می‌آید که نوعی شکاف نسلی را میان آنان و والدینشان به وجود آورده است. سپس، نظریه زمینه‌محور به‌دست‌آمده، در قالب مدل پارادایمی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: تنش با خانواده، زندگی روزمره، جوانان، جامعه در حال گذار، هویت سنتی و مدرن.

r.kalani67@yahoo.com

* کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)

m_safiri@yahoo.com

** استاد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۲۶

مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۹۷-۱۱۹

مقدمه

اکنون مدت‌هاست که جوانان در سراسر جهان هویت‌های جافتاده و سنتی را زیر سؤال برده‌اند و به جست‌وجوی هویتی فردیت‌یافته‌تر، مستقل‌تر و فعال‌تر می‌پردازند. هویتی که آزادانه‌تر و برابرجویانه‌تر و فراتر از مرزهای زندگی خانگی و خانوادگی است.

جوامعی که تمدید و گسترش جوانی را درک نکرده و به اختلال‌هایی که در روند جامعه‌پذیری و هویت‌یابی برای جوانان رخ داده‌است بی‌توجه بمانند و تصورکنند همچون گذشته می‌توانند با جوان به‌صورت یک قشر حاشیه‌ای برخورد کنند، تنها تهدید را نصیب خود خواهند کرد. اما جوامعی که نسبت به واقعیات بصیر و خاضع باشند، می‌توانند از این تهدید (قشر نسبتاً جدید و ملتهب به نام جوان) به‌صورت یک فرصت سود جویند و با بازکردن عرصه‌های لازم در جامعه برای رشد و تعالی جوان، از این قشر پویا و تحول‌آفرین در متن اجتماع بهره جویند (منطقی، ۱۳۸۳: ۴۰۶).

شناخت چالش‌های هویتی جوانان و آنچه رفتارها و کنش و واکنش‌های آنان را در محیط‌های نیمه‌سنتی- نیمه‌مدرن دچار مشکل و گاه گیجی هویتی می‌کند، می‌تواند به منزله پیش‌نیاز، به بهبود مسائل حوزه جوانان (با توجه به نیاز این قشر) و نیز یافتن راهکارهای حل مسئله یاری رساند. وضعیت درحال‌گذار وضعیتی است که در آن «خلل‌ناپذیر» و «تخطی‌ناپذیر دانستن» چهارچوب فکری حاکم با شک مواجه می‌شود. وقتی صحبت از گذار می‌کنیم، موضوع اصلی جامعه‌ای است که از حالت سنتی جدا شده، درحالی‌که هنوز به جامعه باثبات متجدد یا ترکیبی از سنت و تجدد تبدیل نشده‌است.

طرح مسئله

شکل‌گیری هویت و منابع هویت‌یابی، در دوره گذار از سنت به مدرنیته، به‌عبارت دقیق‌تر، فرآیند گذار از هویت سنتی به هویت مدرن که جوامع درحال‌گذار را به‌وجود آورده‌است، با دوره‌های پیش از گذار (جوامع سنتی) متفاوت است. همچنین، جوامعی که درحال تجربه این وضعیت‌اند، با مسائلی مواجه‌اند که (به‌دلیل تفاوت سرعت تغییر) متمایز و گاه مغایر با مسائلی است که جوامع صنعتی و توسعه‌یافته امروزی، که اکنون می‌توان گفت به ثبات رسیده‌اند، در دوره گذار، به‌لحاظ هویتی با آنها مواجه بوده‌اند. تضاد (میان ارزش‌های سنتی و مدرن) به‌وجودآمده از این گذار هویتی، گاه کنش‌ها و واکنش‌های افراد جامعه را با مشکلاتی مواجه می‌سازد که ممکن است در ساخت اجتماعی واقعیت نیز خلل وارد کند. به اعتقاد گیدنز در موضوعات حساسی که به نگاه ژرف و انسان‌محور احتیاج دارند، بهتر است از روش‌های کیفی استفاده شود. مفاهیمی مانند

تناقض‌های هویتی جوانان در کنش و واکنش با خانواده و جامعه با رویکرد زمینه‌محور

«زندگی روزمره»، «تجربه‌های زیسته زندگی روزمره جوانان» و «چالش‌های هویتی»، که به تعبیر دوسرتو (بن‌هایمور، ۲۰۰۲) زیر سطح واقعیت مسلط اجتماعی پنهان شده‌اند و اعضای جامعه با آنها خو گرفته‌اند، از این دسته موضوعات هستند. گیدنز معتقد است:

تجدد چهارچوب حفاظتی جامعه سنتی را از جا کنده و با دگرگون کردن و تضعیف منابع هویت‌ساز سنتی، فرآیند هویت‌سازی را در جهان کنونی متمایز از قبل کرده است. هرچند دانشمندان بر سر منابع هویت‌بخش اجماع ندارند، ولی دست‌کم در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که با بسط فرآیند تجدد، منابع سنتی هویت‌بخش به تدریج رو به اضمحلال و تحلیل رفته، تاحدی که قدرت استیلای خود را بر معنادگی به هویت کنشگران از دست می‌دهد و مسئولیت هویت‌سازی را برعهده فرد می‌گذارد (گیدنز، ۱۳۸۰ به نقل از زلفعلی‌فام و غفاری، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

تجدد در سبک و کیفیت زندگی ما تغییراتی به وجود می‌آورد که بسیار عمیق است و بر خصوصی‌ترین تجربیات ما تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، در عصر مدرنیته (که گیدنز آن را تجدد متأخر می‌نامد) خود (هویت) را باید به طرز بازاندیشانه‌ای بر ساخت؛ از این رو، فردیت و استقلال فردی در این عصر از پدیده‌های بسیار مهم محسوب می‌شود. در کنار آن، همواره باید دو نکته را (در باب هویت) در نظر داشت: از سویی هویت موضوعی در حوزه شناخت، احساس و کنش انسان است، ولی صرفاً مفهومی فردی و در سطح فرد نیست، حال آنکه، معمولاً همچون پدیده‌های اجتماعی دیگر، به پدیده‌ای روانی تقلیل پیدا کرده است. از سوی دیگر، نهاد هویت (همچون دیگر نهادهای اجتماعی) وابسته و پیوسته اوضاع و احوال اجتماعی است. بنابراین، «هویت همیشه زندگی‌نامه‌ای فردی، تجربه‌ای شخصی و منسجم و گسترده زندگی است که در همان زمان (که این ویژگی‌ها را دارد) یک هویت اجتماعی، یک تجربه از یک موقعیت مشخص در اجتماع است.» (ایلریس، ۲۰۰۳: ۳۶۶)

آنچه در این میان اهمیت دارد این است که بافت کلی جامعه ایران متمایل به سنت (یا سنتی) است، ولی بافت جامعه آماری آن (جوانان) بیشتر به مدرنیته متمایل است. در اغلب موارد، جامعه، خانواده، رسانه‌ها و... هنجارهای پذیرفته‌شده در نظام اجتماعی کلان را به فرد القا می‌کنند؛ از جانب دیگر، ارزش‌های جدید در جامعه، تحت تأثیر و از طریق گروه همالان، رسانه‌ها و... تعریف مبهمی از مدرنیته به فرد القا می‌کند که با القانات مذکور و هویت‌های از پیش تعیین‌شده نظام اجتماعی مغایر است. در این میان، کششی به سمت هویت فردیت‌یافته جدید، ساختارشکنی و گاه رفتارهایی متفاوت با آنچه بافت کلی اجتماع تأیید می‌کند، در ذائقه و گرایش‌های فرد پدید می‌آید که جوان را در تعارض میان ارزش‌های جمع‌گرا و ارزش‌های فردگرا قرار می‌دهد و موجب دوگانگی در انتخاب نوع کنش در ارتباط با خود (تناقض ذهنی)، خانواده و جامعه می‌شود. در این پژوهش، با ارائه نظریه زمینه‌محور از درون داده‌ها این مسئله بررسی شده است.

پیشینه نظری

از آنجا که کار کیفی از نظریه آغاز نمی‌شود، در تدوین فرضیات هم از چهارچوب نظری استفاده نمی‌شود، بلکه جهت استخراج پرسش‌های پژوهش از چهارچوب مفهومی کمک می‌گیریم. چهارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم مرتبطی است که بر مفاهیم اصلی مطالعه تمرکز دارد. در این پژوهش، از رویکرد جامعه‌شناسی تفسیری برای تدوین چهارچوب مفهومی استفاده شده است. این رویکرد به درک و تفسیر مردم، در جایگاه عاملانی فعال در برساخت زندگی روزمره، می‌پردازد. بنابراین، در این پژوهش با توجه به اینکه «این رویکرد بر اصالت انسان در برابر محیط تأکید دارد» (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵ به نقل از بوستانی و محمدپور، ۱۳۸۸) و با توجه به اهداف تحقیق، به بررسی تجربه زیسته جوانان هنگام مواجهه با تناقض‌ها پرداخته شده است. در بخش ادبیات نظری نظریاتی مانند نظریه زندگی روزمره لفور، که مفاهیمی مانند مدرنیته، زندگی روزمره و تولید اجتماعی فضا از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و بنیان اصلی تفکر لفور محسوب می‌شوند، به عنوان پیشینه نظری استفاده شده است. همچنین در بعد هویت نظریاتی مانند نظریه هویت بازاندیشانه گیدنز درباره قدرت عاملیت در بازسازی هویت در دنیای مدرن آورده شده‌اند.

پیشینه تجربی

- حسینعلی نوذری (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی تحلیلی به روند تحول مفهوم هویت در قالب‌های سه‌گانه هویت سنتی، مدرن و پست‌مدرن» به بررسی سه‌گونه و قالب هویتی گذشته یا سنتی، حال یا مدرن، و آینده یا پسامدرن، در فرایند تحولات تاریخ اجتماعی- فرهنگی و در بسترهای مناسبات سیاسی-اقتصادی پرداخته است. محقق با توصیف این سه‌نوع هویت، در جمع‌بندی، این نکته را بیان می‌کند که هویت از یکسانی به تکرار سیر کرده است.

- سعیدرضا عاملی (۱۳۸۵) در مقاله «فردگرایی جدید و تلفن همراه: تکنولوژی فردگرایی و هویت»، ابتدا نگاهی مفهومی و نظری به جنبه‌های فردی و هویتی تلفن همراه افکنده و سپس، با دقت در عناصر توسعه فردی این ابزار، به تحلیل موردی درباره ارتباط تلفن همراه با هویت فردی و زندگی روزمره پرداخته است. در بخش دوم مقاله، ابعاد کمی مطالعه منعکس شده و در بخش سوم، نتایج کیفی تحقیق در قالب جنبه‌های شخصی و خصوصی تلفن همراه مورد بحث قرار گرفته است. او در نتیجه‌گیری (مانند پژوهش قبلی)، بر از بین رفتن بعد مکان در ارتباطات تأکید دارد و معتقد است فاصله «واقعیت» و «مجاز» در ارتباطات تصویری تلفن‌های همراه نسل سوم از بین رفته است. همچنین، با بررسی تلفن همراه، «قلمرو فردیت» و «هویت فردی و اجتماعی» کاربر تحلیل پذیر خواهد بود و در واقع، ظرفیت جدید فناوری برای فهم فرد و فردیت فراهم شده است که از طریق آن می‌توان خوانش هویتی انجام داد.

- عبدالحسین کلانتری و حسین حسینی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «رسانه‌های نوین و زندگی روزمره: تأثیر تلفن همراه بر هویت و سبک زندگی جوانان» به رابطه میان رسانه‌های جدید و

جوانان پرداخته‌اند. نگارنده، در نتیجه، به ذکر این مطلب می‌پردازد که جوانان و نوجوانان از تلفن همراه برای حفظ شبکه‌های اجتماعی خود و شکل‌دادن به روابط جدید استفاده می‌کنند. همچنین، ارتباطات موبایلی به وسیله‌ای مهم برای تعریف حوزه شخصی افراد تبدیل شده‌است. شاید در پاسخ به چیستی فرد، که بازتاب هویت اوست، بتوان گفت "من تلفن همراه هستم". به عبارت دیگر، من فرد در تلفن همراه او هویت و تشخیص پیدا می‌کند.

- صدیق سروستانی و صلاح‌الدین قادری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن» با رویکردی جامعه‌شناختی ابعاد هویت دانشجویان را بررسی کرده‌اند. این پژوهشگران به منظور بررسی ابعاد هویت دانشجویان، با توجه به دیدگاه نظریه‌پردازان ایرانی، حوزه هویت را عرصه مواجهه سنت و مدرنیته و این پدیده را یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اثرگذار بر هویت ایرانی در نظر گرفته‌اند. به بیانی دیگر، ابعاد هویت دانشجویان در این مقاله، با توجه به مؤلفه‌های سنتی و مدرن، در کانون توجه قرار گرفته‌است. روش مطالعه پیمایش و گردآوری اطلاعات مبتنی بر پرسش‌نامه است. براساس نتایج تحقیق، هویت دانشجویان نه سازه‌ای تک‌بعدی (سنتی یا مدرن)، بلکه سازه‌ای پیوندی متشکل از مؤلفه‌هایی از هر دو بعد سنتی و مدرن است.

- پرویز کریمی ثانی و همکارانش (۱۳۹۲) در پژوهش «عوامل تعیین‌کننده موفقیت ازدواج: یک مطالعه کیفی» به دنبال شناسایی عوامل فردی، خانوادگی، فرهنگی-اجتماعی، عوامل مربوط به ارتباط و عوامل معنوی پیش‌بینی‌کننده ازدواج موفق در بین زوج‌های شهر تبریز بوده‌اند. طرح پژوهش از نوع کیفی (نظریه زمینه‌ای) و روش آن مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. در وهله اول، ۴۰ نفر از زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت شهر تبریز به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. پژوهشگر جهت اعتباریابی اطلاعات پژوهش کیفی، ده زوج موفق و بیست زوج مطلقه را به شیوه تصادفی از همان جامعه آماری انتخاب و بررسی کرده‌است. سرانجام، یافته‌ها نشان داد که به ترتیب اولویت، عواملی نظیر ارتباط زوج‌ها، فرد و شخصیت، اخلاق و معنویت، عوامل فرهنگی و اجتماعی و خانوادگی پیش‌بینی‌کننده مؤثری برای ازدواج موفق در بین زوج‌های تبریز است.

روش پژوهش و ابزار گردآوری اطلاعات

این پژوهش به واسطه رویکرد کیفی، به دنبال پاسخگویی به مسئله است. «پژوهش کیفی، مجموعه‌ای از فنون تفسیری است که به دنبال توصیف، رمزگشایی، ترجمه و درک معانی و پدیده‌های محیط اجتماعی هستند» (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸: ۵۲).

باتوجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر کنش‌ها و واکنش‌های جوانان در جامعه در حال گذار است، در گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش نظریه زمینه‌محور استفاده شده‌است. در این پژوهش، شروع مصاحبه با سؤالاتی کلی درباره زندگی روزمره مصاحبه‌شونده، از قبیل توصیف

یک روز برای پژوهشگر، بود. سپس، به سؤالات عمیق‌تری درباره کنش و واکنش‌های آنان و ارتباطات روزمره و نیز سؤالاتی درباره نحوه واکنش افراد در مواجهه با تضادهای بافت سنتی و مدرن به صورت ساده‌شده پرداخته شد. سؤالات به صورت نیمه‌ساختاریافته و به گونه‌ای پرسیده شد که مصاحبه‌شونده، توانایی جهت‌دادن به مسیر بحث را داشته باشد و ذهنیت مصاحبه‌کننده، کمتر بر روند مصاحبه سایه افکند. مصاحبه‌ها گاه یک تا دو ساعت و گاه در جلسه‌های متوالی ادامه یافت تا محقق به عمق موردنظر دست یابد.

مکان مصاحبه‌های حضوری اغلب فضاهای عمومی مانند مهمانی‌ها، دانشگاه و پارک‌های مختلف شهر بوده‌است. پس از هر جلسه، مصاحبه‌ها به صورت نوشتاری پیاده می‌شد و قسمت‌هایی از متن مصاحبه برگزیده می‌شد. مصاحبه‌شونده، تا جایی که امکان داشت، مفاهیم را - یعنی همان نام‌گذاری برای متن مصاحبه که به هدف پژوهش نزدیک بود- انتخاب و استخراج می‌کرد؛ مثلاً، درباره صحبت‌های کسی که به محافظه‌کار نبودن در انتخاب شغل، تأکید می‌کرد، در مقابل گرایش والدین به انتخاب شغل‌های کارمندی، محقق مفهوم «آوانگاردیسم» را برای ارجاع به ویژگی پیش‌گام‌بودن جوانان و پیروی‌نکردن از الگوهای پیشین به‌منزله رمز انتخاب کرد که گامی به سمت انتزاعی‌شدن است (مرحله رمزگذاری باز). سپس، مجموعه‌ای از مفاهیم نزدیک‌به‌هم جهت حرکت به سمت انتزاع نظری مقولات استخراج شد و نامی جامع‌تر بر این مفاهیم گذاشته شد که هم تمام آن مجموعه را به‌لحاظ نظری دربرگیرد و هم انتزاعی‌تر باشد (رمزگذاری محوری). درنهایت، مقوله محوری با درنظرگرفتن این نکته که تمام مقولات و مفاهیم را بتوان حول محور آن و در راستای یک نظریه شرح داد بیرون کشیده شد (رمزگذاری انتخابی).

روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند است، نمونه‌ها به‌واسطه محقق از میان جوانان شهر اصفهان انتخاب شده‌اند. کوشش شده از تمام مناطق شهر اصفهان نمونه انتخاب شود تا پراکندگی و ویژگی‌های مختلف جامعه هدف را، اعم از پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی متعدد، دربرگیرد و صرفاً با نمونه‌هایی با پایگاه و ویژگی‌های مشترک مصاحبه نشود. نمونه‌ها به دو روش حضوری و اینترنتی از میان جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال شهر اصفهان برگزیده شده‌اند و سپس، به‌واسطه پژوهشگر، به آنان پیشنهاد مصاحبه شده و در صورت اظهار تمایل و پاسخگویی به این پیشنهاد، مصاحبه صورت گرفته‌است. در پژوهش حاضر، علاوه بر انتخاب نمونه‌ها براساس نمونه‌گیری هدفمند، پس از شکل‌گیری مفاهیم اولیه و آشکارشدن ابعادی از موضوع برای محقق، شکل‌دهی بخشی از سؤالات در مصاحبه‌های بعدی براساس تمرکز بر این ابعاد صورت گرفته‌است که در نتیجه به غنی‌سازی مفاهیم قبلی و همچنین شکل‌گیری مفاهیم جدید انجامیده‌است. این روند، در مراحل بعدی، هنگام مقوله‌بندی‌ها ادامه داشت و به حذف، ادغام و تغییر بعضی مفاهیم و مقولات انجامید. هنگام گزارش‌نویسی، محقق به انتخاب متن‌ها و قسمت‌هایی از مصاحبه‌ها و

تناقض‌های هویتی جوانان در کنش و واکنش با خانواده و جامعه با رویکرد زمینه‌محور نظریات مرتبط با آنها دست زده‌است (نمونه‌گیری نظری) تا در نهایت اشباع نظری (دست‌یافتن به نوعی از تکرار در داده‌ها) و نظریه‌ی زمینه‌محور حاصل شده‌است.

جدول ۱. مشخصات نمونه‌ها

کد مصاحبه‌شونده	جنس	مصاحبه‌شونده	سن	وضعیت تأهل	شغل	تحصیلات	خیابان محل سکونت
۱	زن	زهرا	۲۵	مجرد	بیکار	فوق لیسانس	پنج‌رمضان
۲	زن	سحر	۲۵	مجرد	کارمند شرکت خصوصی بورس	لیسانس	۲۲ بهمن
۳	زن	مهسا	۲۳	متاهل	کارمند شرکت خصوصی	لیسانس	سیمین
۴	زن	آزاده	۲۵	مطلقه	بیکار	لیسانس	ابن‌سینا
۵	زن	الهام، د	۲۵	مجرد	دانشجو	فوق لیسانس	کاشانی
۶	مرد	سعید	۲۶	مجرد	کنترل کیفی مخزن	لیسانس	خواجه‌عمید
۷	مرد	مجتبی	۲۸	مجرد	کارگزار فرابورس و بورس کالا	لیسانس	سیاهان شهر
۸	مرد	محسن	۲۴	مجرد	کارمند	لیسانس	هشت‌بهشت شرقی
۹	زن	الهام، م	۲۷	متاهل	دانشجو و کتابدار کتابخانه	فوق لیسانس	رباط
۱۰	مرد	مرتضی	۲۷	متاهل	برنامه‌نویس	لیسانس	فردوسی
۱۱	مرد	علی	۲۱	مجرد	طلبه	-	نیروگاه
۱۲	زن	فرزانه، ک	۲۳	متاهل	دانشجو و خانه‌دار	لیسانس	آل‌خجند
۱۳	مرد	علیرضا	۲۵	مجرد	دانشجو	فوق لیسانس	بزرگمهر
۱۴	مرد	نیما	۲۳	مجرد	دانشجو	لیسانس	ملاصدرا
۱۵	مرد	مهدی	۲۷	مطلقه (دارای فرزند)	آزاد- شیرینی‌فروش	سیکل	احمدآباد
۱۶	زن	سمیرا	۲۹	مجرد	کارشناس فروش در شرکت خصوصی	لیسانس	رودکی
۱۷	مرد	امید	۲۸	مجرد	مری بدنسازی و مغازه‌دار	لیسانس	میرزاظاهر
۱۸	زن	فرزانه، ق	۲۶	مجرد	دانشجو و منشی	فوق دیپلم	کهندژ
۱۹	مرد	بنیامین	۲۶	مجرد	حسابدار	لیسانس	ارتش
۲۰	مرد	جلال	۳۰	مجرد	آزاد-لوازم آرایشی	دیپلم	امام‌خمینی
۲۱	مرد	امیر	۲۸	مجرد	مهندس معدن کارخانه سنگبری	لیسانس	کاوه
۲۲	مرد	محمد	۲۵	مجرد	دانشجو	فوق لیسانس	اردیبهشت جنوبی
۲۳	زن	الهام، ج	۲۷	مطلقه	معلم	لیسانس	مدرس
۲۴	زن	فهیمة	۲۶	مجرد	روانشناس در کلینیک	فوق لیسانس	بزرگمهر آراسته
۲۵	مرد	محمد، ر	۲۳	مجرد	حوله‌باف و نساج	لیسانس	صمدیه
۲۶	زن	فرناز	۲۹	متاهل	خانه‌دار	فوق لیسانس	خاقانی
۲۷	زن	الهام، ک	۲۶	مجرد	دانشجو	فوق لیسانس	زینبیه
۲۸	زن	مرجان	۲۶	متاهل	دانشجو و خانه‌دار	فوق لیسانس	چهارباغ عباسی

Theory saturation

قابلیت اعتماد

دستیابی به اعتماد (معادل اعتبار در تحقیقات کمی) در پژوهش حاضر به چند روش صورت گرفت که به دو روش آن اشاره می‌شود:

- **کنترل یا اعتباریابی از طریق اعضا:** در این روش، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و درباره صحت آن و تفاسیر و برداشت‌های محقق نظر دهند. نیومن این نوع اعتباریابی را اعتبار اعضا می‌نامد (ر.ک: محمدپور، ۱۳۸۸: ۸۶). در این روش، محقق پس از مصاحبه، بعضی از تحلیل‌ها را به خود شخص یا شخص دیگری داده تا به دور از غرض‌ورزی، درباره صحت برداشت محقق نظر دهند. مواردی مانند برداشت محقق درباره دغدغه‌های جوانان و نحوه تحلیل مصاحبه‌ها از این دست است که در اکثر مواقع دیدگاه محقق و اعضا در ارزیابی یافته‌ها به هم نزدیک بوده‌است.

- **استفاده از تکنیک ممیزی:** در این زمینه، چند متخصص، که در کار کیفی تجربه داشته‌اند، بر مراحل مختلف رمزگذاری، مفهوم‌سازی، استخراج مقولات و برداشت‌های محقق نظارت داشته‌اند. از این افراد خواسته شد که برداشت خود را از مصاحبه‌ها و مفاهیم و در مرحله بعدی، مقولات بیان کنند. این برداشت‌ها با نظر محقق مطابقت داده شد. نزدیکی برداشت این افراد به برداشت محقق پشتوانه علمی تحقیق را محکم‌تر ساخته‌است. در این روش، از دوتن از استادان روش کیفی و یکی از کارشناسان ارشد مجرب کمک گرفته شده‌است که در روند رمزگذاری و تحلیل و تفسیر تا دستیابی به مقوله نهایی، از جهت‌گیری‌های احتمالی ذهنی محقق جلوگیری شود.

- **زاویه‌بندی نظری:** این مورد یکی از معیارهای زاویه‌بندی دنزین است که «این نوع زاویه‌بندی در واقع، استفاده از نظریات یا رویکردهای متعدد نظری، جهت تحلیل و تفسیر نتایج می‌باشد» (محمدپور، ۱۳۸۸: ۸۵). از نظریه‌هایی استفاده شده است که در مسیر مصاحبه، محقق را به سوی مفهوم‌سازی و محکم‌کردن اساس نظری پژوهش سوق دهند، نظریاتی مانند نظریه جهانی‌شدن گیدنز، که در بحث خویش‌ن‌یابی اهمیت می‌یابد و نظریه هربرت مید درباره مفهوم دیگران مهم، و چند نظریه دیگر که با توجه به صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان و رموزها و مفاهیم مستخرج از آن‌ها، در متن اصلی تحقیق آمده‌است.

¹ Member check

² Auditing

یافته‌ها (مفهوم‌ها و مقوله‌های استخراج‌شده از اطلاعات)

نتیجه رمزگذاری سه مرحله‌ای اطلاعات گردآوری شده، استخراج ۶۸ مفهوم و ۲۱ مقوله بود. مطابق فرایند روش‌شناختی، که شرح داده شد، طی سه مرحله رمزگذاری باز، رمزگذاری محوری و رمزگذاری انتخابی، از درون اطلاعات اولیه، رمزها و مفاهیم مشخص و استخراج شدند و سپس، در مصاحبه‌های بعدی، مفاهیم جدید اضافه و به غنای مفاهیم قبلی افزوده شد تا در نهایت ۶۸ مفهوم به دست آمد. در مرحله بعد، مفاهیم در قالب مقولات قرار گرفتند تا اینکه ۲۱ مقوله برای این پژوهش به دست آمد. مقوله‌ها نیز برای ارائه در مدل پارادایمی در شش دسته ذیل حول مقوله هسته قرار گرفتند:

- درک از موضوع (۷مقوله)
- عوامل بسترساز (۲مقوله)
- عوامل مداخله‌گر (۳مقوله)
- عوامل علی (۴مقوله)
- راهبردها (۳مقوله)
- پیامدها (۲مقوله)

مقولات و مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله‌ها در جدول ۲ نشان داده شده‌است. در ادامه، به دلیل محدودیت حجم مقاله، فقط سه مقوله به همراه مفاهیم تشکیل‌دهنده آنها شرح داده شده و شواهد (مصاحبه‌های) مرتبط با آن آمده‌است، همچنین، نمونه‌هایی از مفاهیم مربوط به مقولات در جدول ۲ ذکر شده است.

جدول ۲. مفاهیم، مقولات و مقوله محوری استخراج‌شده از داده‌های کیفی

	مقولات	مفاهیم
درک از موضوع	چالش انگاری در تعریف دین (پلورالیسم دینی)	بحران در تعریف دین (دگرگونی تعریف دین)
		تعریف فردی از چهارچوب
	بحران اخلاقی‌گرایی	بحران تعریف اخلاق
		روابط فرازناشویی
	مصرف تظاهری (زندگی نمایشی)	نمایش تفاخر (هویت و زندگی نمایشی)
		زیبایی‌خواهی هم‌شکل‌شده
		تضاد نگرشی میان نسلی
	تفاوت و تضاد نسلی	تفاوت ادراکی نسلی از سطح رابطه‌ها
		چالش سیاسی
	فقدان تعاریف مشخص	بحران تعریف اخلاق
		پارادوکس ارزشی
	تقابل بافتی سنت و تجدد (تضاد بافت فرهنگی سنتی - مدرن)	تضاد بافت فرهنگی (سنتی - مدرن)...
خرده‌جمع‌های فراخانوادگی		
فردگرایی فزاینده	روایت فردی از احترام به دیگری	
	هویت فردگرایانه	

مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶

		فرا توجه اجتماعی
		تعریف فردی از چهارچوب
عوامل بستر ساز	تأثیر عامل رده سنی و اقتضانات مربوط به آن شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مؤثر بر روند هویت یابی فضاهای ارتباطی و تأثیرات فردی و فرا فردی آن	دائمه ها و ترجیحات جوانان
		آوانگارد بودن جوانان در مقابل محافظه کار بودن والدین
		شرایط جمعیتی و اجتماعی
		تحولات ارزشی و سرعت تغییرات نسبت به نسل های پیشین
		تعدد یافتن منابع هویت یابی و تزلزل منابع هویت سازستی
		فقدان وجود گفتمان مشترک
عوامل مداخله گر	نوع نگرش ها و تجارب فردی جوانان	نوع واکنش و مدیریت والدین با کنش ها و مسائل جوانان
		نگاه به مدرنیته؛ دوگانة مدرنیته ظاهری و مدرنیته واقعی
	تضعیف سنت گرایی میان جوانان	مقایسه و احساس محرومیت نسبی
		ضعف گرایش های دینی و تداخل مرزهای ارزشی و غیرارزشی
عوامل علی	هویت توده ای همگن (هویت بیرونی)	تجرد و افزایش سن ازدواج
		هویت تک بعدی و مادی گرایی صرف جهانی شدن
	تأخر فرهنگی	کاکرد و کاربرد نامناسب فناوری تکنولوژی رو به جلو
		آگاهی چالش زا خانواده تنش زا
	آگاهی دوسویه؛ دوگانة چالش، ضد چالش	تضاد خوانش از دین
		دین سالاری
	ومت دینی و دین حکومتی	دوگانگی کنشی و بلا تکلیفی هویتی بر اثر تضاد فرهنگی
		هم نوایی اجتماعی
هویت موقعیتی	گرایش به استقلال یابی مکانی پنهان کاری به مثابه استراتژی	
	رجوع به اعتقادات بازگشت به خویشتن	
روایت فردگرایانه از زندگی جمعی (خانوادگی)	احساس نارضایتی	
	احساس گناه و عذاب وجدان	
راهبرد رجوع و بازگشت	احساس رضایت و آرامش	
	تشدید تزلزل و تغییر ساختار هویت های جمعی و جایگزینی اشکال جدید هویتی	
پیامدها	تشدید فروپاشی هویت سنتی	
	تمایل کمتر به تشکیل خانواده	
مقوله مرکزی	انتخاب گری عناصر هویتی	

نمونه مقوله: تقابل بافتی سنت و تجدد

یکی از پایه‌های اساسی پژوهش حاضر، تضاد و تعارض میان برخی ارزش‌های و عناصر سنتی و مدرن است که در جامعه در حال گذار وجود دارد، اگرچه همه چالش‌های هویتی لزوماً از این تضادها ناشی نمی‌شوند. در هر حال، باید پذیرفت تمام آنچه مدرنیته نامیده می‌شود (چه در تعریف ظاهری آن و چه در تعریف واقعی)، الزاماً با بافت جامعه در حال گذار و حتی عبور کرده از گذار هم‌خوانی کامل ندارد.

مقوله "تقابل بافتی سنت و تجدد"، شامل مفاهیم "تناقض ارزشی"، "تضاد بافت فرهنگی (سنتی- مدرن) به مثابه مانع تضادبرانگیز" و "خرده‌جمع‌های فراخانوادگی" است.

مفهوم تناقض ارزشی

پارادوکس یا تناقض ارزشی در جامعه، یکی دیگر از تناقض‌های هویتی جوانان است که گاه دوراهی و دوگانگی‌هایی در مسیر انتخاب و انجام کنش برای آنان به وجود می‌آورد. "مرتضی" در این باره به فرهنگ تزریقی اروپا به جامعه ایران اشاره می‌کند و آن را متفاوت با فرهنگ ایرانی می‌داند:

وقتی یک پسر در مقابل یک فرهنگ برهنه اروپایی، که زن را فقط به زیبایی اندام می‌شناسد، قرار می‌گیرد، طبیعتاً خوشش می‌آید اما از طرفی هم همان زن را می‌خواهد که (۱) پاک باشد، (۲) خانه‌دار باشد، (۳) مال خودش باشد و... اینها دقیقاً باهم متناقض هستند. بی‌حجابی دقیقاً مخالف مسیر خواسته جوانی است که زنی می‌خواهد ۱۰۰ درصد نگاهش مال خودش باشد. دختر ایرانی از یک پسر ایرانی دقیقاً یک پسر اروپایی می‌خواهد، البته با این تفاوت که فقط مال خودش باشد و اینها همان تفاوت فرهنگ‌هاست. ایران اروپایی نمی‌شود، لااقل تا امروز نشده (کد ۱۰).

"مرتضی"، با تأکید بر اینکه حجاب برای دختران در ایران نوعی چالش هویتی محسوب می‌شود، می‌گوید:

شما به عنوان یک دختر به امنیت نیاز دارید، به دوست داشته شدن هم نیاز دارید. اگه حجابتان را شل کنید دوست داشته می‌شوید، ولی امنیت‌تان زیر سؤال می‌رود و عکس این موضوع. یک دختر ایرانی با جامعه‌ای از پسرها روبه‌رو شده. دختر چشم و ابرو مشکلی و خوشگل و خوش‌هیكل می‌خواهند چشم و گوششان هم باز شده، اما این دختر باید نجیب هم باشد، حالا دختر محجبه با یک کیلو ابرو و سبیل چطور می‌تواند دلبری کند؟ چطور می‌تواند ۴۰ ساله نشود و مجرد باقی

نماند؟...از طرفی، اگر حجابش را کنار گذاشت، جلف نام می‌گیرد، می‌گویند بی‌حیا، خیابانی. اینجاست که واقعاً طرف هنگ می‌کند (کد ۱۰).

"محمد" در مورد تناقضات رسانه داخلی و رسانه‌های خارجی (ماهواره) می‌گوید:
اینها باعث شده که ارتباطات بیشتر شود، ماهواره نشان می‌دهد که روابط جنسی قبل ازدواج و بی‌حجابی یک سری خوبی دارد، اما رسانه ملی نشان می‌دهد که چادر خوب است. این باعث تناقض می‌شود. من نمی‌گویم ماهواره بد است، می‌گویم ماهواره یک منظر است، حرف‌های بزرگترها یک منظر. ماهواره و اینترنت باعث می‌شود دید آدم باز شود. ما که فقط نباید توی یک محیط بسته باشیم. باید توی یک دنیای بزرگ بود، باید دنیا را گشت، ولی خب ارزش‌هایی هم داریم برای خودمان که رعایت نکردنش ضررهایی دارد (کد ۲۲).

در طی مصاحبه‌ها، شماری از جوانان به آگاهی‌ای اشاره کرده‌اند که گاه در تضاد با ارزش‌های درونی‌شده، اصول القاشده از طریق جامعه‌پذیری و هنجارهای جامعه‌ای که فرد در آن زیسته و در راستای جهانی‌شدن، با استفاده از ابزارها و رسانه‌های جدید و افزایش اطلاعات (آگاهی تضادآفرین) پدید می‌آید.

همان‌طور که گیدنز هم بیان می‌کند، تغییر شکل هویت و پدیده «جهانی‌شدن» (کامل، ۱۳۸۴) در دوران اخیر، دو قطب دیالکتیک محلی و جهانی را تشکیل می‌دهند. به عبارت روشن‌تر، حتی تغییرات وجوه بسیار خصوصی زندگی شخصی نیز مستقیماً با تماس‌های اجتماعی بسیار وسیع و پر دامنه ارتباط دارد که بحران‌هایی را در زمینه هویت ایجاد کرده‌است. به‌طور کلی، در این پژوهش «آگاهی تضادآفرین» و «ارزش‌های درونی‌شده» در فرد (از طریق جامعه‌پذیری و...) دارای بار مطلقاً مثبت (خوب) یا مطلقاً منفی (بد) نیست، چراکه این‌نوع مرزبندی مطلق، به‌نوعی، موجب ورود تعصب و پیش‌داوری به تحلیل‌های کیفی می‌شود و از اعتبار تحقیق می‌کاهد. کلیدواژه‌ای که در این میان اهمیت دارد جامعه‌پذیری است؛ به‌طوری‌که بخش غالب فرهنگ در محیط خانواده شکل می‌گیرد و گاه با آنچه روال جاری مدرنیته در جامعه است، در تضاد قرار می‌گیرد و فرد را دچار نوسان‌های کنشی و تناقض می‌سازد؛ چراکه در مسیر انتخاب کنش با موانعی روبه‌رو است که انتخاب را برایش دشوار می‌کند. آزاده، دختری مذهبی، در این‌باره می‌گوید:

یکی از نمودهایش همین ظاهر است. بحث حجاب برای خانم‌ها مطرح است. برای خیلی قشرها مثل شاغل‌ها حتی حرکات و رفتارشان در محیط کار مطرح است. مثلاً توی جامعه سنتی‌شان، توی دهه خودشان، آن موقع که مثلاً دوران سنی ابتدای جوانی‌شان بوده‌اند، چیزهایی گرفته‌اند از جامعه و خانواده... الان که

تناقض‌های هویتی جوانان در کنش و واکنش با خانواده و جامعه با رویکرد زمینه‌محور

درسشان تمام شده، ۵-۶ سال گذشته از آن زمان ... الان که وارد بازار کار می‌شوند یک سری افراد را می‌بینند ... با تیپ‌های خاصی، گفتار خاصی، حتی تکیه کلام‌های خاصی که خواه ناخواه می‌خواهند از آنها تبعیت کنند؛ یعنی می‌خواهند خودشان وفق دهند با آن روال مدرنیته‌ای که آنها اسمش را گذاشته‌اند... بعد این‌وسط یک سری موانعی وجود دارد، چه ذهنی و چه حالا خانواده یا جامعه، که این تغییر را برایش سخت می‌کنند... حالا جدای از اینکه اصلاً این نوع تغییر را درست بدانیم یا غلط، این خودش می‌شود یک احساس تناقض (کد ۴).

"مرتضی"، با نگاهی انتقادی به فرهنگ اروپایی، معتقد است این فرهنگ غیربومی به ملت ما تحمیل شده است:

چت کردن تو فرهنگ ملت ما کار بدی است، در صورتی که توی فرهنگ غربی مثل خوردن غذا، یک کار کاملاً روزمره است، این می‌شود که تزریق این فرهنگ به ملت ما، تهاش می‌شود تیتتر روزنامه‌ای که «دختری پس از دوستی اینترنتی خودکشی کرد». جذابیت دنیای غرب آمده، اما فرهنگ هنوز ایرانی است، هنوز یک دختر همه زندگی‌اش رو به بکارت می‌داند، چیزی که در اروپا هیچ ارزشی نداره (کد ۱۰).

"مرتضی" به برخی تناقضات فرهنگ غربی با فرهنگ ایرانی اشاره می‌کند (که وارد جامعه ایران شده است)، درحالی‌که عناصر این فرهنگ، به دلیل غیرمأنوس و غیربومی بودن آن، در فرهنگ ایران جای نگرفته است. او به نوعی تلفیق نادرست فرهنگ‌ها اشاره می‌کند و این‌دو، یعنی فرهنگ غربی و ایرانی، را در این زمینه‌ها جمع‌ناشدنی می‌بیند.

"الهام"، دختری بسیار مذهبی، معتقد و تحصیل کرده است که می‌گوید:

وقتی دوچرخه می‌بینم، همیشه می‌گویم چرا نمی‌توانم سوار شوم... شاید اگر روزی هم بگذارند دخترها سوار شوند، به خاطر ارزش‌های سنتی و مذهبی‌ام سوار نشوم، ولی حسرتش هست! (کد ۲۷).

"فهمیه"، تناقضی را توصیف کرده است که از جانب دیگران به فرد القا می‌شود:

با اینکه خانواده‌ام آزادم می‌گذارند، من هیچ‌وقت دوست‌پسر، که رابطه عاشقانه و جدی بخواهم داشته باشم، نداشتم. دوست جنس مخالف داشتم، ولی دوست‌پسر نداشتم. بعد همین تناقض پیش می‌آید که خیلی موقع‌ها خیلی‌ها تعجب می‌کنند و می‌گویند وای، تو یعنی تاحالا دوست‌پسر نداشتی؟! بعد، مثلاً یک جا آدم به خودش می‌گوید نکند من مشکلی دارم. در صورتی که می‌دانم مشکلی ندارم، یک‌کم سلیقه‌ام با جامعه فرق دارد (کد ۲۴).

مفهوم تضاد بافت فرهنگی سنتی- مدرن به مثابه مانع تضاد آفرین در بافت فرهنگی سنتی- مدرن در جامعه در حال گذار، برای افرادی که در کنش‌ها و واکنش‌هایشان به انتخاب و عقیده خود پای‌بندند، چه مدرن و چه سنت‌گرا، دشواری‌هایی در پی خواهد داشت. در زمینه شغلی و محل زندگی، "آزاده" و "فرزانه" اشاره‌هایی می‌کنند. "آزاده"، از تجربه زیسته خودش به منزله یک دختر چادری درباره پیداکردن شغل می‌گوید:

یک شرکتی را من می‌خواستم برای استخدام بروم؛ تا رفتم نگاهی به سر تا پای من کردند... خب، مثلاً من حجاب داشتم... از نگاه اولشان فهمیدم اینها حتی اگر من خیلی کارایی‌ام هم خوب باشد... سابقه کار داشته باشم، کار هم خیلی بلد باشم، مثل منی را به جمع خودشان راه نمی‌دهند. چون مثلاً حالا تفکرات خاص خودشان را دارند یا مثلاً دید مدرن شدن (دارند) بعضی‌ها اینجوری‌اند، بعضی‌ها هم حتی ممکن است خودشان فاصله بگیرند، منزوی شوند، ولی بعضی موقع‌ها آدم‌ها مجبورند به خاطر اینکه مثلاً وضعیت اقتصادی‌شان بگذرد، وارد یک محیطی کم می‌شوند، خودشان را سنتی جلوه دهند، توی محیط دیگر خودشان را مدرن جلوه بدهند؛ بعضی آدم‌ها به خاطر امرار معاش‌شان ممکن است اعتقاد خودشان را زیر پا بگذارند، ولی توی خلوت خودشان این اعتقادات را داشته باشند. این خودش خیلی چالش بزرگی است (کد ۴).

"فرزانه. ک"، نیز دختری مذهبی و معتقد به حجاب، در باب فضاها و تفریحاتی که هنوز برای حضور خانم‌های چادری جا نیفتاده است می‌گوید:

مثلاً همین بیلپارد و یک سری بازی‌هایی که این سبکی است، من خیلی دلم می‌خواسته همیشه بروم امتحان کنم ولی شاید به خاطر اینکه چادر سرم بوده، مثلاً ترسیده‌ام بروم جلو، نمیدانم شاید مثلاً این هم برایم چالش بوده، که خیلی چیزها را می‌خواستم امتحان کنم، ولی به خاطر اینکه حجاب داشتم، فکر می‌کردم زشت است، برایم سبک است، یا مثلاً آنجا بروم مسخره‌ام می‌کنند، می‌فهمی چه می‌گوییم؟ (کد ۱۲).

تضاد بافت فرهنگی در بحث حجاب و تناقض‌های مربوط به آن، در جامعه‌ای که در حال گذار است، هم برای دخترانی که به حجاب تمایل دارند وجود دارد و هم برای دخترانی که به حجاب مایل نیستند و آن را در جامعه ما اجباری می‌پندارند، با این تفاوت که این تناقض‌ها در فضاهای متفاوت با هم، به صورت تجربه زیسته این افراد به وجود می‌آید. "فرزانه. ق"، نیز در این باره به حجاب اشاره می‌کند، با این تفاوت که برعکس دو مورد قبلی، که هویت سنت‌گرا را برگزیدند، هویت مدرن را انتخاب کرده و می‌گوید:

تناقض‌های هویتی جوانان در کنش و واکنش با خانواده و جامعه با رویکرد زمینه‌محور

نمی‌دانم اصلاً در مورد سنت خانواده‌ام محسوب می‌شود این چیزی که می‌خواهم بگویم یا نه، مثلاً همین چادرسردن، خانواده من خیلی دوست دارند من اینجوری باشم. من خودم هم دوست دارم، ولی بعضی وقت‌ها، همان چیز باعث می‌شود که نه (چادر سرنکنم)، چون می‌آیم این طرف و در این جامعه این طرف (بالاشهر) چادر را سرم نمی‌کنم (کد ۱۸).

گاه فرد در این فضا، بسته به اهمیت دیگران مهم و پررنگ بودن اهمیت نظر دیگری، راهبرد متناسب با فضا را برمی‌گزیند. گاهی من و درمن، در تضاد با یکدیگر، و در حالت پرسش و پاسخ قرار می‌گیرند. هرچه اهمیت دیگران مهم در ذهن برجسته‌تر و دارای اهمیت بیشتر باشد، فرد بیشتر از خود واقعی‌اش دور و البته، بیشتر دچار تناقض می‌شود، این موضوع مبین نوعی فشار از جانب دیگرانی است که بر انتخاب فرد تأثیرگذارند.

"فرزانه" در ادامه جملات قبلی‌اش می‌گوید:

خوب، بخش مدرن جامعه نمی‌پذیرد که من اینجوری بیایم بیرون؛ مثلاً سرکار رفتیم؛ یک روز با چادر رفتیم، همه ایراد گرفتند که چرا با چادر آمدی اینجا (تو محل کار). دوست دارند آن جور باشی که آن طرف (بالاشهر) هستند (کد ۱۸).

احساس تناقض در زمینه حجاب، در بافت فرهنگی سنتی و بافت فرهنگی مدرن بسیار گسترده است و تقریباً اغلب افراد (خانم‌ها) درباره آن تجربه داشته‌اند. احساس تأییدنشدن از سوی دیگری یا دیگران، در این تضاد بافتی و انتخاب راهبرد و انجام کنش براساس آن از سوی فرد، براساس ساز و کار فشار اجتماعی تحلیل‌پذیر است. فشار اجتماعی، در معنای کلی، عبارت است از نیروهای بالفعل یا بالقوه اجتماعی در جهت کنترل اندیشه، رفتار یا عمل انسان‌ها یا هدایت آن در مسیری خاص. گاه در دوراهی سنت و مدرنیته، دیگران مهم، به منزله نیروهای اجتماعی‌ای که قدرت آنها، براساس اهمیت آنان و گرایش به کسب تأیید آنان برای فرد است، بر فرد فشار وارد می‌کنند. انتخاب پوشش نیز می‌تواند تحت تأثیر این فشار از سوی بافت مدرن یا سنتی واقع شود. تنش در اینجا «احساس وجود مانع» برای انجام کنش دلخواه (انتخاب عناصر هویتی) است.

نمونه مقوله: فردگرایی فزاینده

پدیده فردگرایی در بسیاری از نظریه‌ها و پژوهش‌ها به‌مثابه یکی از ویژگی‌های هویت مدرن — چه از لحاظ پذیرش و تأیید، چه از لحاظ نقد این پدیده به‌منزله تضعیف‌کننده هویت جمعی — حائز اهمیت بوده است. حقیقت این است که فردگرایی پدیده‌ای مدرن است، که در جوامع امروز رخ داده است و قدرت عاملیت را در برابر مجموعه‌ای از ساختارها و همچنین حریم و حیطه شخصی افزایش داده‌است. در جوامع در حال گذار، که هویت جمعی و جمع‌گرایی استحکام دارد، فردگرایی،

به‌ویژه زمانی که جنبه افراطی به خود می‌گیرد تناقض‌هایی را برای فرد (اغلب در رابطه با خانواده) به‌وجود می‌آورد.

فردگرایی فزاینده در این پژوهش شامل این مفاهیم است: "روایت فردی از احترام به دیگری (احترام‌گذاری فردگرایانه)"، "هویت فردگرایانه"، "محدودیت‌های ضداستقلال‌طلبانه"، "فرا توجه اجتماعی" و "تعریف فردی از چهارچوب".

مفهوم هویت فردگرایانه

تغییراتی که در سبک زندگی، نحوه مصرف و ارتباطات افراد به‌وجود آمده‌است بر نحوه گذران اوقات فراغت و تفریحات، نوع انتخاب‌های مهم فرد (مثلاً، در زمینه ازدواج) و... نیز تأثیرگذار بوده‌است. "آزاده" درباره روند جدا شدن تفریحات فرد از خانواده می‌گوید:

تفریحات در قدیم اصلاً یک مدل دیگری بوده واقعاً... اکثراً خانوادگی بوده است، ولی الان جوان‌ها دوست دارند با دوستانشان باشند. حتی مثلاً من می‌بینم سیزده‌بدرها خانواده‌ها (اعضای خانواده) دارند پخش می‌شوند. مثلاً، پسر خانواده می‌رود با دوستان خودش و دختر یک جور دیگر؛ یعنی آن انسجامی که بین خانواده‌ها بود دارد می‌پاشد... (کد ۴).

و در پاسخ به این پرسش که «به‌نظرت تغییر نوع تفریحات و گذراندن آن با دوستان می‌تواند بحران هویتی محسوب شود» می‌گوید:

آره... خوب بگذار فکر کنم... (با کمی مکث). به‌نظر من، بحران هویت محسوب می‌شود؛ به‌خاطر اینکه یک جوری دور شدن از سنت‌هاست... سنت‌ها جوری بوده که خانواده‌ها اکثراً کنار هم باشند، سر یک سفره غذا بخورند، یا مثلاً توی مهمانی‌ها خانواده‌ها باهم باشند، تفریحاتشان باهم باشد، اما این اتفاق، این جریان (مدرن شدن) باعث شده که آدم‌ها از هم، از سنت‌هاشان، فاصله بگیرند. می‌دانی چرا می‌گویم بحران هویتی؟ [جوان] می‌گوید این سبکی است که من انتخاب کردم... ولی من آن چیزی که خودم شخصاً تجربه کردم و دیدم در بقیه این است که آدم‌ها وقتی که طبق این روال مدتی پیش می‌روند. شاید مثلاً خوششان هم بیاید. حالا مثلاً با دوستانمان برویم... با دوستانمان برویم ناهار بخوریم، نرویم مثلاً پیش خانواده‌مان، این جوری مثلاً راحت‌تریم... این جوری مثلاً بیشتر کیف می‌دهد، ولی مدت زمانی که می‌گذرد، آدم‌ها باز رجوع می‌کنند، باز احساس خلأ می‌کنند (کد ۴).

"سمیرا" از جمله نمونه‌هایی است که به‌شدت به فردی شدن امور مختلف در زندگی روزمره گرایش دارد. او در زمینه ازدواج سنتی معتقد است از نظر فرهنگی (بویژه در خانواده) در باب ازدواج غیرسنتی (از طریق آشنایی دوفره) در مسیر انتخاب احساس مانع می‌کند:

تناقض‌های هویتی جوانان در کنش و واکنش با خانواده و جامعه با رویکرد زمینه‌محور

مثلاً در مورد ازدواج؛ من ازدواج سنتی را دوست ندارم، دوست دارم با یک نفر آشنا شوم، بعد ازدواج کنم. اما خوب صد در صد خانواده‌ام مخالفاند با همچین چیزی. تو جامعه کم‌وبیش جا افتاده، ولی مردم اطرافم، فامیل‌هایم، اصلاً همچین چیزی را نمی‌پسندند (کد ۱۶).

گرایش به طی کردن روند آشنایی تا ازدواج، به صورت فردگرایانه، به‌ویژه در خانواده‌های سنتی که هویت جمعی و احترام به بزرگ‌تر در آنها بسیار اهمیت دارد، به ندرت پذیرفته می‌شود؛ و اگرچه امروزه در بعضی خانواده‌ها تا حدودی جا افتاده، رضایت کامل والدین را در نوع انتخاب جوان (مخصوصاً دختران) دربر ندارد.

مفهوم فراتوجه اجتماعی

فراتوجه به پدیده‌ای سنتی اشاره دارد که با سبک زندگی مدرن و هویت فردگرا مغایر است و به لحاظ فرهنگی و در تمدن اجتماعی امروزه نکوهش می‌شود. خانواده‌های هسته‌ای امروزه حریم‌های خصوصی‌تر و شخصی‌تری برای افراد رقم زده‌اند؛ مثلاً، امروزه، پرسش از میزان دستمزد و حقوق کسی (که به زندگی خصوصی مربوط می‌شود) ناپسند است. این گرایش به زیست فردی شده و عدم دخالت دیگری، حتی در نوع پوشش و لباس فرد، امروزه به‌ویژه در میان قشر جوان شدت یافته‌است. این پدیده، به‌ویژه در میان جوانان و افراد با سرمایه فرهنگی بالا طرد شده‌است و گاه از صورت افراطی (فراتوجه اجتماعی) دور شده و به سمت "بی‌تفاوتی اجتماعی" (حالت تفریطی) سوق پیدا می‌کند. "جلال" با لحنی انتقادی این پدیده را این‌گونه توصیف می‌کند:

ما به قضاوت کردن و دخالت کردن عادت کردیم؛ یعنی کافیه کسی یک بار چیزی ناهنجار ببوشد، مثلاً با شلوارک بیاید بیرون، آن وقت است که همه قضاوتش می‌کنند یا مسخره می‌کنند یا برخورد جدی با او می‌کنند. شاید یکی از مشکلات بزرگ همین دخالت‌هاست. اصلاً تو احوالپرسی‌ها مان هم باب شده. تا با یکی آشنا می‌شویم چیزهای خصوصی ازش می‌پرسیم: ازدواج کردی؟ بچه داری؟ (کد ۲۰). بعضی جوانان به این فراتوجه در محل زندگی — که اعضا همه همدیگر را می‌شناسند و هویت جمعی و سنتی در آن نقش پررنگ‌تری دارد — اشاره می‌کنند:

وقتی در محلمان راه می‌روم، چون محل ما اکثراً سنتی هستند، با لباس‌های ساده، منی که یک شلوار لی می‌پوشم یه پیرهن اندامی، همه چپ‌چپ نگاه می‌کنند. من هم می‌گویم نکنند... نکنند این وضع درخور من نباشد و نکنند خدا ازم راضی نباشد (کد ۲۵).

ببین مثلاً تو یک محلی یا تو یک اجتماع کوچکی دارم زندگی می‌کنم که همه چیز را سنتی می‌دانند، با چادر باید بیرون رفت، چرا؟ چون سرشناسی،

اگر با مانتهو بیایی فلان طور است، نمی دانم، آرایش نکن. چرا؟ چون اینجا همه می شناسندت، می گویند دختر فلانی فلان جور آمد بیرون، یا نمی دانم اینجا باید سبّت کم باشد از دواج کنی، چرا؟ وقتی از ۲۳ رفت بالا، دیگر کسی نمی آید سراغت. با اینها خیلی مشکل دارم. دوست هم ندارم تو آن منطقه باشم، ولی فعلاً یک مانع هایی هست که باید بمانی فعلاً حالا. من این مشکل را آنجا خیلی دارم. توانستم فعلاً باهاش کنار آمدم، چرا؟ چون مثل همان ها شدم... نه اینکه مثل آنها شده باشم. آنی شدم که مثلاً می گویند هی. می دانی برمی گردد به همان چیزی که می گویم هر جایی را مثل خودشان رفتار می کنم... تایم من طوری است که ۷ صبح از خانه می آیم بیرون، کسی مرا نمی بیند. ۲ بعد از ظهر هم که می روم هیچکس نمی بیند... خوب اذیت می شوم. خوب بعضی وقت ها هم (اونطور که آنها می خواهند) رفتار نمی کنم، مثلاً من بعضی وقت ها که سرکار هستم، از سرکار مجبورم بروم دم مغازه داداشم (که تو همان محله است). همان جوری که هستم می روم، برایم هم مهم نیست، اطرافیانم نگاه می کنند یا نه، باید مرا اینجوری هم ببینند، من شاید به خاطر آنهاست که این جوری می آیم بیرون و از خود واقعی ام دور می شوم (کد ۱۸).

فرا توجه اجتماعی به نوعی اعمال کنترل و (گاهی در معنای شدیدتر) دخالت در اعمال فرد اشاره دارد که بر راهبرد انتخابی او (خواسته یا ناخواسته) تأثیرگذار است. این نوع فرا توجه اجتماعی اعضای محله بومی، "فرزانه" را واداشته تا ساعت های حضورش در محله را با ساعت های خلوتی آن مکان تنظیم کند تا کمی از این فرا توجه در امان باشد. این پدیده، علاوه بر اینکه نوعی بحران اجتماعی در زندگی روزمره جوان محسوب می شود، گاهی بحران ذهنی نیز، همان گونه که "محمد" می گفت پدید می آورد: «می گویم نکند این وضع در خور من نباشد و نکند خدا از من راضی نباشد».

نمونه مقوله: تأثیر عامل رده سنی و اقتضائات مربوط به آن

این مقوله شامل مفاهیم «ذائقه ها و ترجیحات جوانان» و «مفهوم پیشرو بودن جوانان در مقابل محافظه کار بودن والدین» است.

مفهوم ذائقه ها و ترجیحات جوانان

گرایش ها و ترجیحات دوره جوانی، که پایه های آن از نوجوانی آغاز می شود، با دوره های سنی دیگر تفاوت هایی دارد. ترجیحاتی که در نوع و سبک زندگی، نوع تفریح ها، گذران بخش غالب اوقات فراغت با دوستان و کمتر با خانواده، هنجارشکنی های مربوط به جوانی و نوجوانی، ظاهر گاه غیرمتعارف و مسائلی دیگر از جمله مواردی است که شکل ذائقه جوانان را به سمت خطرپذیری

تناقض‌های هویتی جوانان در کنش و واکنش با خانواده و جامعه با رویکرد زمینه‌محور

و تمایل به هیجان در این دوره پیش می‌برد و گاه با نظم و قواعد خانواده و جامعه نیز در تضاد قرار می‌گیرد. "محسن" دربارهٔ ترجیحات جوانان می‌گوید:

... اما در جامعهٔ امروزی همه بیشتر دوست دارند با رفقا باشند تا خانواده، به سمت غذاهای آماده می‌روند. ... شاید در این دوره، منظورم جوانی است، آدم یک سری مسائل مثل مذهب برایش کم‌اهمیت‌تر شود، ولی من می‌گویم گذراست. یا مثلاً آدم دوست داشته باشد بیشتر با دوستانش بگردد یا تجربه‌هایی داشته باشد که هنجارشکن و خطرناک است، ولی خوب، وقتی سنش بیشتر می‌شود یا تشکیل خانواده می‌دهد مدل زندگی‌اش عوض می‌شود (کد ۸).

آنچه اهمیت دارد این است که بعضی از تناقض‌های هویتی دورهٔ جوانی با گذار موفق از این دوره، خودبه‌خود، حل می‌شود و از اقتضائات این دوره محسوب می‌شود. این به آن معناست که تمامی تناقض‌های دورهٔ جوانی و نوجوانی بحران‌زا و نگران‌کننده نیستند، بلکه به دورهٔ گذار سنی مربوط می‌شوند که مدیریت صحیح فرد و خانواده و جامعه، می‌تواند آن را حل کند و به جانی متفاوت ببرد.

مفهوم پیشروبودن جوانان در تقابل با محافظه‌کاری والدین

یکی از ویژگی‌های خاص دورهٔ جوانی گرایش به کسب تجربهٔ شخصی و پیش‌گامی در بعضی امور است. جوانی دوره‌ای است که گاهی فرد بدون تمایل به محاسبه و بالا و پایین کردن معایب و محاسن و سود و ضرر بعضی امور، به تجربهٔ آنها علاقه دارد. درمقابل، والدین از اموری که نتیجهٔ آنها پیش‌بینی‌پذیر است و خطر کمتری در آنها وجود دارد بیشتر استقبال می‌کنند (مانند تجربهٔ بعضی مکان‌ها، مشاغل و همچنین روابط؛ چون والدین محافظه‌کاری بیشتری نسبت به جوانان دارند). "نیما" دربارهٔ انتخاب شغل می‌گوید:

خوب، خانواده‌ها می‌خواهند یک شغل دولتی داشته باشی، که ریسک توش نباشد، بیمه باشی، ساعت خاصی داشته باشی، ولی من دوست دارم شغلم پر هیجان باشد، پرریسک، پرپول. کار بازاریابی دوست دارم. بازاریابی کارکردم، استعدادش را هم دارم (کد ۱۴).

یکی از موارد تأثیرگذار دربارهٔ بعضی ویژگی‌های دورهٔ جوانی — مانند روحیهٔ خطرپذیری و عدم محاسبهٔ سود و زیان — ازدواج و تشکیل خانواده است، که شماری از اعضای نمونه به آن اشاره کردند. به عبارتی دیگر، روحیهٔ خطرپذیری، در کنار عامل سن، در میان مجردها نسبت به متأهلان بیشتر است، که شاید یکی از دلایل آن، داشتن مسئولیت کمتر در قبال دیگران در دورهٔ مجرد است. "سعید" می‌گوید:

بینید، این تضاد کمی برمی‌گردد به اینکه جوان پُرانرژی است و می‌خواهد چیزهای مختلف را امتحان کند، ولی کسی که سنش بالا می‌رود، خواسته‌هایش

تغییر می‌کنند، کمی منطقی‌تر می‌شود، برای همین باهم سازگاری ندارند [نسل قدیم و جدید]. طرز فکر یک جوان با یک فردی که خانواده تشکیل داده، فرق می‌کند (کد ۶).

ویژگی پیشروبودن در میان جوانان (به‌ویژه نسل کنونی) اشاره به نوعی گرایش به پیش قدم بودن در تجربه و لمس امور تجربه‌پذیر دارد، آنچه ساختارشکنی و گاه تمایل به عدم تبعیت از چهارچوب‌های پیشین را به‌دنبال دارد و اهمیت عاملیت در تجربه امر نو و بر ساخت هویت به صورت بازاندیشانه را نشان می‌دهد. همانطور که گیدنز هم در راستای تضعیف منابع هویت‌ساز سنتی از این ویژگی و این نوع هویت در جامعه مدرن نام می‌برد و معتقد است هویت شخصی را باید خلق نمود و تقریباً به طور مداوم آن را با توجه به تجربیات گاه متناقض زندگی روزمره و گرایش‌های تقطیع‌کننده نهادهای امروزی، مورد تعظیم و تجدید قرار داد.

خط داستان

جوانان در مصاحبه‌ها به موارد متعددی، از جمله سلب آزادی در انتخاب و گاه دوراهی‌هایی که در مسیر هویت‌یابی و زندگی در جامعه گذار وجود دارد، برای توضیح تناقض‌هایشان اشاره کردند. نوسان‌های کنشی که گاه از طریق رسانه‌ها، والدین و گاه به‌صورت ذهنی دچار آن می‌شوند، انتخاب را دشوار می‌سازد. بیشتر جوانان در این پژوهش به زندگی آزادانه و انتخاب مسیر هویتی به‌صورت فردی تمایل داشتند، ولی کاملاً هم به کنده‌شدن از هویت سنتی مایل نبودند. آنان تضاد بافت فرهنگی سنتی و مدرن را از دشواری‌های جامعه گذار می‌دانستند که گاه کنش عاملیت را خدشه‌دار می‌سازد. از طرفی، نگاه دیگران مهم برای آنان اهمیت داشت و احساس می‌کردند با اهمیت دادن به این امر آزادی فردی‌شان خدشه‌دار می‌شود (چه این دیگران مهم در بافت سنتی و چه در بافت مدرن جامعه قرار داشته باشند، بسته به دیدگاه‌های فرد می‌توانند تناقض‌برانگیز باشند، چراکه از دید جوانان، نوعی مانع بر سر راه کنش محسوب می‌شوند).

در راستای فردگرایی و فزونی آن، جوانان به موضوعاتی از قبیل احترام گذاشتن به دیگران در زمان‌هایی اشاره کردند که خودشان در جایگاه عاملیت تشخیص می‌دهند که باید احترام بگذارند، نه اینکه تحت تأثیر هویت جمعی و ساختارهای تعیین‌کننده آن قرار گیرند. همین تعاریف فردی از چهارچوب، زمینه شکستن بعضی چهارچوب‌های کلان رفتار جمعی را فراهم می‌آورد که البته هدف ما تحلیل ارزشی آن نیست. ممانعت هویت جمعی و بعضی از پیروان آن مانند خانواده، جامعه و حتی ذهن خود فرد (ارزش‌های درونی‌شده) از انتخاب‌های فردی، که عاملیت را در رأس هرم تصمیم‌گیری قرار می‌دهد، فرد را با دشواری‌هایی در زندگی روزمره مواجه می‌کند. در تفسیر داده‌ها، بعضی از اتفاقات این دوره سنی را به ذائقه و ترجیحات جوانان نسبت دادیم، ویژگی‌هایی مانند پیشروبودن و گرایش به تجربه‌اموری که با نوعی خطرپذیری همراه است و البته، موانعی که تضاد جوانان و والدین را آشکار می‌سازد. در پژوهش حاضر، با توجه به مواردی که مطرح شد، مقوله "انتخاب‌گری عناصر هویتی" را به‌مثابه مقوله هسته برگزیدیم.

بحث و نتیجه‌گیری (ارائه نظریه زمینه‌محور)

در این پژوهش، مقوله هسته و مرکزی «انتخاب‌گری عناصر هویتی» حاصل ادغام و ترکیب مقوله‌های اصلی تحقیق است.

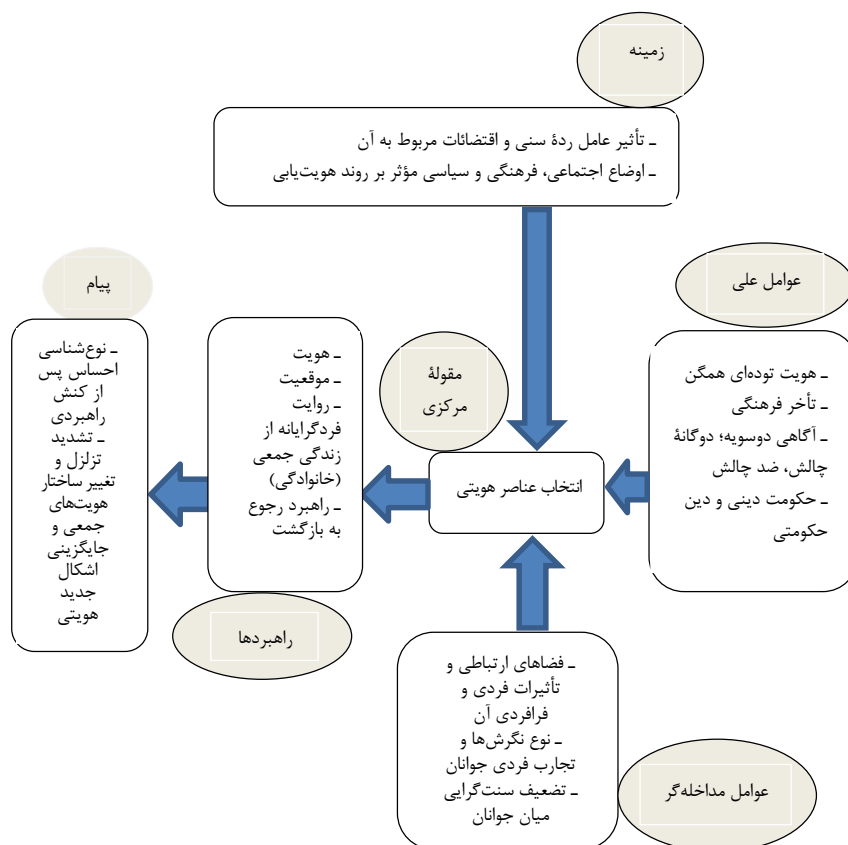
براساس مفهوم‌ها و مقوله‌های به‌دست آمده، و رابطه بین آنها با محوریت مقوله مرکزی، می‌توان نظریه زمینه‌محور به‌دست‌آمده از درون اطلاعات را ارائه کرد. این نظریه به دو صورت داستان و مدل پارادایمی ارائه می‌شود و نشان‌دهنده روابط مقولات با یکدیگر است.

براساس این مقوله اکثر جوانانی که با آنان مصاحبه صورت گرفت، به‌وجود نوعی مانع بر سر راه کنش برای انتخاب مسیر هویت‌یابی اشاره کردند که در طی مصاحبه‌ها به دو بُعد ذهنی و عینی، به‌طور صریح و ضمنی، اشاره شد. یکی از ویژگی‌های کلی جوامع در حال گذار، که میزبان ارزش‌ها و هنجارهای جدید و تجربه مدرنیته در بافت، فرهنگ و هویت سنتی خود هستند، تعارض و تضاد برخی ارزش‌های این دو بعد از هویت در درون جامعه است، که یا به‌مرور زمان باهم تطبیق می‌یابند، به‌طوری‌که بافت سنتی جامعه در حال گذار پذیرش ارزش‌های هویت مدرن را پیدا می‌کند، یا ذاتاً تطبیق‌ناپذیرند. این ویژگی جامعه در حال گذار باعث به‌وجود آمدن نوعی دوگانگی و تناقض در مسیر برساخت هویت می‌شود که جوانان را با مسائلی مانند حجاب، زیبایی، بعضی آزادی‌های فردی و بعضی تفریحات برای دختران و موارد دیگر، که نوعی فشار اجتماعی پنهان در آنها وجود دارد، مواجه کرده‌است و انتخاب آزادانه را از آنان سلب کرده‌است و آنها را بر سر دوراهی انتخاب عناصر هویت سنتی و عناصر هویت مدرن قرار داده‌است.

یکی از ویژگی‌های هویت مدرن، فردگرایی و اهمیت حریم خصوصی هر فرد در کنار داشتن هویت جمعی است که از اهمیت به فرد و قدرت عاملیت در برساخت زندگی روزمره (درکنار چهارچوب‌ها و ساختارهای تأثیرگذار بر کنش) نشان دارد. این پدیده، هم در حالت عادی و هم در حالت تزایدی، یکی از دغدغه‌های اساسی جوانان در رابطه با والدین و جامعه است، که در مقوله مرکزی ذیل واژه «انتخاب» آمده‌است. فردیت در جامعه نیمه‌سنتی ایران، که ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای خاص خود را دارد و شاهد ورود هنجارها و ارزش‌های جدید به آن است، رو به افزایش است؛ مثلاً، جوانان در این زمینه به تجربه داشتن خانه مستقل از خانواده در زمان مجردی، تعریف چهارچوب‌های اجتماعی به صورت فردی (که نوعی تکثر در تعریف دین، اخلاق و رابطه با دیگران را به‌وجود آورده‌است) و انتخاب شریک زندگی به‌طور شخصی را اشاره کردند و برخی ساختارها و تعاریف ذهنی و قواعد جاافتاده را در خانواده و جامعه مانع تمایل و انتخاب خود می‌دانستند. برای پی‌بردن به برداشت جوانان از هویت خود، از آنان درباره شناسه‌ها و معرفه‌هایی پرسیده‌شد که در جمعی فرضی، گرایش دارند در معرفی و توصیف خود به‌کار ببرند، اکثر قریب‌به‌اتفاق پاسخگویان مایل بودند خود را براساس عناصر هویتی خاص گرایانه و اکتسابی (تحصیلات، نوع برخورد با دیگران، پوشش ظاهری و دیگر ویژگی‌های فردی) معرفی کنند و کمتر در توصیف خود به عناصر جمع‌گرا مانند خانواده اشاره کردند.

عواملی مانند سن و اقتضات مربوط به آن و نیز اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در روند بسترسازی تناقض‌های هویتی جوانان اهمیت بسیار دارد. ذائقه جوانان، گرایش‌ها و ترجیحاتی که در این دوره سنی دارند، با دوره‌های قبلی و بعدی متفاوت است. علاقه به ساختارشکنی هنجاری، عدم تابعیت صددرصد از قوانین خانواده و تمایل به تجربه امور نو - که پیشرو بودن و خطرپذیری جوانان را نشان می‌دهد - با آنچه والدین، مبنی بر محافظه‌کاری، محاسبه‌گری و پرهیز از خطر در روند هویت‌یابی از آنان انتظار دارند، مغایر است.

آنچه مسلم است هویت سنتی و چهارچوب‌های هویت‌ساز آن در جامعه در حال گذار ایران به قوت گذشته و نفوذ پیشین باقی نمانده است. همین موضوع نه تنها بخش بزرگی از شکل‌دهی به هویت را به‌عهده خود فرد گذاشته است، بلکه جسارت ساختارشکنی و توجه بیشتر به هویت فردی را نیز به او داده است. نهایتاً، در تفاوت دیدگاه جوانان با والدین، آنچه از نتایج این پژوهش به دست آمده است، معیار قراردادن منافع فردی در هنگام کنش از سوی جوانان است، که اغلب والدین، آن را نوعی هنجارشکنی و شکستن تابوها (مثلاً در بحث آداب و رسوم، روابط جنسی، تفریحات، احترام گذاشتن به دیگران و...) تلقی می‌کنند.



شکل ۱: مدل پارادایمی نظریه زمینه‌محور به‌دست‌آمده از درون‌داده‌ها

منابع

- بوستانی، داریوش و احمد محمدپور (۱۳۸۸) «بازسازی معنایی جهت‌گیری جنسیتی پسران نسبت به دختران (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)»، *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، دوره یازدهم، شماره ۴۴: ۱۴۲-۱۷۲.
- بهاء‌الدین، حسین کامل (۱۳۸۴) *ملیت در جهان بی‌هویت (چالش‌های جهانی شدن)*، ترجمه حجت رسولی، تهران: فرهنگ اسلامی.
- زلفعلی‌فام، جعفر و مظفر غفاری (۱۳۸۸) «تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی دختران دانشجوی دانشگاه گیلان»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، شماره ۳: ۱۲۱-۱۴۰.
- سروستانی، صدیق و صلاح‌الدین قادری (۱۳۸۸) «ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان برمبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۲، شماره ۴ (پیاپی ۸): ۳۵-۶۵.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۵) «فردگرایی جدید و تلفن همراه: تکنولوژی فردگرایی و هویت»، *جهانی رسانه*، دوره اول: شماره ۱.
- کریمی ثانی و همکاران (۱۳۹۲) «عوامل تعیین‌کننده موفقیت ازدواج: یک مطالعه کیفی»، *پژوهش‌های مشاوره*، دوره ۱۲، شماره ۴۵: ۷۵-۹۳.
- کلانتری، عبدالحسین و حسین حسینی (۱۳۸۷) «رسانه‌های نوین و زندگی روزمره: تأثیر تلفن همراه بر هویت و سبک زندگی جوانان»، *پایگاه مجلات تخصصی نور*، شماره ۷۶: ۱۱۹-۱۳۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰) *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موققیان، تهران: نی.
- لیندلف، تامس و برایان تیلور (۱۳۸۸) *روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات*، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: همشهری.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹) «ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری»، *علوم اجتماعی*، دوره هفدهم، شماره ۴۸: ۷۳-۱۰۶.
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۳) «بحران‌های هویتی در جوامع در حال گذار»، *در: مبانی نظری هویت و بحران هویت*، مجموعه مقالات جمع‌آوری‌شده، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۵) «نگاهی تحلیلی به روند تحول مفهوم هویت در قالب‌های سه‌گانه هویت سنتی، مدرن و پست‌مدرن»، *مطالعات ملی*، دوره هفتم، شماره ۲ (۲۶): ۱۲۷-۱۴۸.
- Highmore, Ben (2002) *Everyday Life and Cultural Theory*, London and New York: Routledge.
- Illeris, Knud (2003) "Learning, Identity and Self-orientation in Youth", *Nordic Journal of Youth Research*, 11 (4): 357-376.
- Lincoln, Y. S. and E. G. Guba (1985) *Naturalistic Inquiry*, Thousand Oaks, CA: Sage.

